

The Relationship between Mental Accounting and Financial Reporting Quality with Simultaneous Transactions Approach¹

Sanaz Vatndust Selab², Sahar Sepasi³, Javad RezaZadeh⁴

Received: 2022/03/09

Accepted: 2023/05/08

Research Paper

Abstract

Investors are particularly sensitive to how financial reporting and discretionary disclosure of information by business units are about making financial decisions and analyzing economic events; But in recent decades, abnormal behaviors have emerged in financial markets that classical financial theories are unable to explain. Therefore, concepts such as mental accounting in the financial-behavioral context are more common. It has already attracted the attention of researchers. Although the theory of mental accounting was developed to explain customer and household decisions, its ideas apply to the preparers and users of financial statements and disclosures. The three main features of accounting theory (i.e., coding, classification, and valuation) are consistent with the main features of financial reporting and discretionary disclosure. The statistical population of the present study is all active companies listed on the stock exchange, which was selected by systematic elimination method in the period 2011 to 2018. By performing regression, it was found that mental accounting has a negative and inverse relationship with the quality of financial reporting. With mental accounting.

Keyword: Mental Accounting, Quality of Financial Reporting, Behavioral Finance, Stock Exchange.

JEL Classification: G11, G14.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.37681.2977

2. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (sepasi@modares.ac.ir).

4. Associate Professor, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

رویکرد معاملات همزمان رابطه بین حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی^۱

ساناز وطن دوست سیلاب^۲، سحر سپاسی^۳، جواد رضازاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

مقاله پژوهشی

چکیده

سرمایه‌گذاران به نحوه گزارشگری مالی و افشای اختیاری اطلاعات از سوی واحدهای تجاری برای گرفتن تصمیمات مالی و تحلیل رویدادهای اقتصادی، حساسیت بسیاری دارند. اما طی دهه‌های اخیر، رفتارهای خلاف قاعده‌ای در بازارهای مالی وجود داشته که نظریه‌های مالی کلاسیک نتوانستند به توضیح و تبیین آن‌ها پردازند. به همین رو، مفاهیمی مانند حسابداری ذهنی که در زمینه مالی - رفتاری بیان شده است، بیش از پیش توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. اگرچه نظریه حسابداری ذهنی به منظور توضیح تصمیم‌گیری‌های مشتری و خانوار ایجاد شده بود، اما ایده‌های آن برای تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی و افشای اختیاری نیز قابل اجراء است. سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری (یعنی کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی) با ویژگی‌های اصلی گزارشگری مالی و افشای اختیاری مطابقت دارند. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های فعال پذیرفته شده در بورس که به روش حذف سیستماتیک در فاصله زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ انتخاب شد. از روش‌های سنجی معادلات هم‌زمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای و دو مرحله‌ای، مشخص شد که حسابداری ذهنی رابطه معکوس با کیفیت گزارشگری مالی دارد، همچنین کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس با حسابداری ذهنی بر اساس معادلات هم‌زمان دارد. یعنی هرچه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر باشد، اثر حسابداری ذهنی کمتر است و سرمایه‌گذاران کمتر تحت تأثیر این تورش رفتاری تصمیم می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری ذهنی، کیفیت گزارشگری مالی، مالی رفتاری، بورس اوراق بهادار.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, G14.

10.22051/JERA.2023.37681.2977:DOI .1

۲. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (sanazvatandoostsilab@gmail.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (sepasi@modares.ac.ir).

۴. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (j.rezazadeh@modares.ac.ir).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

مالی- رفتاری را می توان انگاره‌ای (پارادایمی) دانست که با توجه به آن، بازارهای مالی با استفاده از مدل‌هایی مطالعه می‌شوند که دو فرض اصلی و محدودکننده انگاره (پارادایم) سنتی، یعنی پیشینه-سازی مطلوبیت مورد انتظار و عقلانیت کامل را کنار می‌گذارد (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۴). از همین‌رو، مفاهیمی مانند حسابداری ذهنی که در زمینه مالی- رفتاری مطرح می‌شود، بیش از پیش توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بر طبق این نظریه، به‌جای گروه‌بندی تمامی تصمیمات با هم و بهینه‌سازی انتخاب‌های مصرف در طی چرخه عمر، افراد به طبقه‌بندی فعالیت‌های خود در حساب‌های ذهنی اقدام و تصمیمات خود را در درون چارچوب محدود طبقه‌بندی شده اتخاذ می‌کنند (بارث^۱ و همکاران، ۲۰۰۱). سرمایه‌گذاران برای گرفتن تصمیمات مالی و تحلیل رویدادهای اقتصادی به نحوه گزارشگری مالی و افشای اختیاری اطلاعات از واحدهای تجاری حساسیت ویژه‌ای دارند. بر همین مبنای، نحوه گزارشگری و افشای اطلاعات برای بدست آوردن اعتماد سرمایه‌گذاران، توجه سیاست‌گذاران، مراجع حرفه‌ای و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری را به خود جلب کرد. یکی از موضوعاتی که در این راستا کانون توجه چنین نهادهایی بوده است، چگونگی طبقه‌بندی اطلاعات است. طبقه‌بندی اطلاعات را مشتمل بر ادغام، تفکیک و تناوب ارائه اطلاعات، تعریف می‌کنند و از آنها با عنوان اجزای اصلی تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بر مبنای گزارشگری مالی یاد کرده‌اند. به همین دلیل در پژوهش کیان و همکاران، (۱۳۹۶) بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، اگر چه در ابتدا مبنای نظریه حسابداری ذهنی، توضیح و تبیین تصمیم‌گیری‌های فردی و گروهی بوده است، اما ساز و کارهای این نظریه برای استفاده‌کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی، صورتهای مالی نیز قابلیت اجرا دارد. استدلال آنها بر پایه چند عامل نهادینه شده است، عامل اول شباهت چشمگیر بین حسابداری ذهنی و گزارشگری مالی است (فنما و کونس^۲، ۲۰۱۰). براین اساس، این پژوهش درصدد است تا به تبیین حسابداری ذهنی به‌عنوان رویکرد نوینی در تصمیم‌گیری مالی که با رفتار منطقی و اقتصادی سرمایه‌گذاران همسو و هماهنگ نیست، در گزارشگری مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران بپردازد. بسیاری از سرمایه‌گذاران تمایل دارند که از نظر ذهنی سوگیری‌های حسابداری در سرمایه‌گذاری داشته باشند که نقش مهمی در تأثیرگذاری بر تصمیمات آنها برای تجارت در بازارهای مالی دارد. تصمیمات سرمایه‌گذاران تحت تأثیر عوامل روانی است و گاهی

1. Barth et al

2. Fennema & koonce

اوقات سرمایه‌گذاران معاملات خود را در حساب‌های ذهنی مختلف جدا می‌کنند، زیرا بر کارایی تخصیص دارایی تأثیر منفی می‌گذارد و این روش یکی از رایج‌ترین اشتباهات در سهام است. سرمایه‌گذاران با توجه به مکان‌های نهایی که وجوه در آن خرج می‌شود به معاملات خود نگاه می‌کنند، بسیاری از آنها حساب‌های ذهنی مختلفی دارند که طبق تعهدات شخصی خود از آنها پیروی می‌کنند. در اینجا مشخص است که سرمایه‌گذارانی که با سرمایه‌گذاری‌های خود به صورت منزوی سروکار دارند. مطمئناً سهام با مشکلات نقدینگی مواجه خواهد شد، زیرا آنها معتقدند برای حمایت از حساب‌هایی که به چنین نقدینگی نیاز دارند، باید در تمام حساب‌های مجزای خود وجه نقد نگهداری کنند. از این منظر، تأکید بر اهمیت درک رفتار سرمایه‌گذاران ضروری است. در حسابداری ذهنی ما به دنبال درک توضیح اثرات احساسات انسانی در فرایند تصمیم‌گیری هستیم. انسان‌ها تمایل به نگهداری حوادث خاص در ذهن خود به صورت تصورات دارند، این تصورات برخی مواقع بیشتر از خود حوادث روی تصمیم‌گیری افراد اثر می‌گذارد. در حسابداری ذهنی فرض بر این است که مردم بر اساس طبقه‌بندی‌های شناختی یا حساب‌های ذهنی مخارج خود را پیگیری و ردیابی می‌کنند. اگر چه این فرآیند شناختی می‌تواند با بررسی نحوه برخورد عواطف و احساسات افراد نسبت به وجوه نقد یا برچسب‌های عاطفی وجوه نقد به تکامل برسند، هنگامی که وجوه نقد در موقعیت‌های منفی به دست آید، برچسب‌های عاطفی، چگونگی هزینه کردن این گونه مبالغ را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از آنجایی که تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری، تصمیمات فردی هستند که متعلق به سرمایه‌گذاران است، این تصمیمات به طیف عناصر ذهنی و روانی سرمایه‌گذاران بستگی دارد. بنابراین شناسایی عناصری که منجر به تصمیمات خرید یا فروش در بازارهای مالی می‌شوند ضروری است، زیرا درک رفتار سرمایه‌گذاران به درک دقیق و پیش‌بینی حرکت‌های آتی بازارهای مالی کمک می‌کند و در نتیجه به بازدهی بالاتر از حد متوسط یا اجتناب از ریسک کمک می‌کند. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر رابطه بین حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی با رویکرد معاملات همزمان می‌باشد.

مروری بر مبانی نظری

سرمایه‌گذاران اغلب با استفاده از تحلیل‌های مبتنی بر ذهن که بر اندازه‌گیری موقعیت‌های مشابه در زمان تصمیم‌گیری متکی است، تصمیم می‌گیرند، نه بر اساس تحلیل‌های منطقی غیرقابل انعطاف، که با تکیه بر قوانین مبهم و نامشخص تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاران را در برابر

اشتباهات آسیب‌پذیر می‌کند. همیشه تمایل به تعیین قیمت اولیه خرید در زمان فروش دارند و بنابراین قیمت‌های امروزی اغلب با قیمت‌های گذشته تعیین می‌شوند و سرمایه‌گذاران را وادار می‌کند تا محدوده قیمت سهام یا درآمد شرکت را بر اساس بهای تمام شده تاریخی تعیین کنند.

حسابداری ذهنی

در حسابداری ذهنی بیان می‌شود که مردم به طور ذهنی گرایش به تقسیم بندی دارایی هایشان به سبدهای مختلف دارند و مایلند هر سبد را به طور مستقل مدیریت کنند. به عبارت دیگر مبادلات به جای آنکه به طور پیوسته با موارد دیگر ارزیابی شوند به صورت تک تک ارزیابی می‌شوند. حسابداری ذهنی دلالت بر این دارد که افراد تمایل دارند تصمیم‌گیری درباره مسایلی مختلف مالی را در حساب‌های ذهنی جدا انجام دهند. بدون در نظر گرفتن این فرض منطقی که بهتر است تمامی این تصمیم‌گیری‌ها را در یک پرتفوی اتخاذ کنند، حسابداری ذهنی عملاً تعامل بین تصمیم‌گیری‌های مختلف را نادیده می‌گیرد. بعضی افراد برای مثال در زمان سرمایه‌گذاری به دنبال بهینه کردن پرتفوی خود نیستند بلکه سهام را به صورت جداگانه و بدون در نظر گرفتن ارتباط آنها با همدیگر خریداری می‌کنند.

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، اگرچه در ابتدا مبنای نظریه حسابداری ذهنی، توضیح و تبیین تصمیم‌گیری‌های فردی و گروهی بوده است، سازوکارهای این نظریه برای استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی صورت‌های مالی نیز قابلیت اجرا دارد. استدلال آنها بر پایه چند عامل نهادینه شده است؛ عامل اول شباهت قابل ملاحظه بین حسابداری ذهنی و گزارشگری مالی است (وبر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶)؛ یعنی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نیز همسو با واحدهای تجاری، معاملات و رویدادها را ثبت، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل می‌کنند و هماهنگ با انگیزه حسابداری شرکت‌ها هستند تا از این طریق بتوانند به سرمایه‌گذاری مطلوب دست یابند. در واقع، سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری ذهنی (شامل کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی) با ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی (شامل ثبت، طبقه‌بندی، تلخیص و گزارشگری) مطابقت دارند. عامل دوم این است که ارزش‌گذاری سهام شرکت‌ها با به‌کارگیری استانداردها و روش‌های حسابداری تناسب ندارد. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که، رویه‌ها و

شیوه‌های گوناگونی برای پردازش رویدادها و اطلاعات مالی وجود دارد، گرایش به استفاده از حسابداری ذهنی بیشتر است (فنما^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، با وجود اینکه در آغاز مبنای نظریه حسابداری ذهنی، تبیین و توضیح تصمیم‌گیری‌های فردی و گروهی بوده است، اما به سه علت فنما و کونسن^۲ (۲۰۱۰) اعتقاد دارند که سازوکارهای این نظریه برای تمام استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی (درون‌سازمانی و برون‌سازمانی) نیز قابل اجرا است. عامل اول این است که سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری ذهنی (شامل کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی) با ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی (شامل ثبت، طبقه‌بندی، تلخیص و گزارشگری) مطابقت دارند. عامل دوم این است که گرایش به استفاده از حسابداری ذهنی زمانی که، برای پردازش رویدادها و اطلاعات مالی، رویه‌ها و شیوه‌های گوناگونی وجود دارد، بیشتر است (تالر^۳، ۲۰۰۸). به طور مثال ارزش‌گذاری سهام شرکت‌ها با به‌کارگیری استانداردها و روش‌های حسابداری تناسب ندارد. عامل سوم مبین این مطلب است که بسیاری از اطلاعات حسابداری، قابلیت تسهیل فرآیند را دارند. به طور مثال فرآیند حسابداری ذهنی در مورد تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، برای نمونه، از طریق تفکیک اجزای سود پیش‌بینی‌شده در یادداشت‌های توضیحی و این فرآیند در مورد سرمایه‌گذاران، برای نمونه، از طریق ارزیابی اوراق بهادار قابل تبدیل انجام می‌گیرد، تسهیل می‌گردد (وایت^۴ و همکاران، ۲۰۰۲). گرچه حسابداری ذهنی عمدتاً تصمیمات مصرف‌کننده و خانوار بیان می‌کند، اما برخی بر این باورند که چندین دلیل بر اساس موازات بین حسابداری ذهنی و گزارشگری مالی، نیز کاربرد دارد.

کیفیت گزارشگری مالی

یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه که انتظار می‌رود نقش مؤثری در توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی ایفا نماید، گزارش‌های مالی است. در این راستا اساتید، محققان و اهل حرفه حسابداری خواستار افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری برای ادای مسئولیت پاسخگویی به نیازهای جامعه خود می‌باشند؛ به عنوان مثال، بنا بر مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت‌های مالی عبارت از ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده

1. Fennema et al

2. Fennema & Koonce

3. Thaler

4. White et al

درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد. دستیابی به این هدف مستلزم آن است که اطلاعات مزبور در درجه نخست، مربوط و قابل اتکا بوده و در درجه دوم قابل فهم و قابل مقایسه باشد؛ کیفیت گزارشگری مالی همواره موضوع مورد علاقه هیئت مدیره، سهامداران، محققین و خود حسابداران حرفه ای بوده و هست. در سال‌های اخیر، موج رسوایی‌های حسابداری که در جامعه ی مالی بین المللی رخ داده است، منجر به افزایش سؤالات و نگرانی‌هایی در مورد کیفیت گزارشگری مالی شده است.

ارتباط بین حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی

از آنجا که طبق تحقیقات فنما و کونسن در سال ۲۰۱۰ سه ویژگی اصلی تئوری حسابداری ذهنی (کدگذاری، طبقه بندی و ارزیابی) مطابق با ویژگی‌های اصلی گزارشگری مالی و افشای اختیارات می‌باشد ارتباط کیفیت گزارشگری مالی با حسابداری ذهنی براساس کدگذاری مطرح می‌گردد سانتی و همکاران (۲۰۱۹) به تأثیر حسابداری ذهنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری سهام پرداخته است و نتایج مطالعه نشان می‌دهد که وجود پدیده حسابداری ذهنی در بین سرمایه‌گذاران باعث می‌شود که آنها بخش بیشتری از پول خود را برای سرمایه‌گذاری استفاده کنند، جایی که وجوه خصوصی ماهانه خود اهمیت بیشتری نسبت به صندوق‌های پاداش دارند و از ریسک سرمایه‌گذاری در صندوق‌های خصوصی ماهانه بیشتر از صندوق‌های پاداش می‌ترسند و در صورت ضرر، میزان نارضایتی از زیان‌های ناشی از وجوه ماهیانه آنها بیشتر از میزان زیان‌هایی که از سرمایه‌گذاری وجوه پاداش متحمل شده‌ایم. نتایج این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی نسبت به حسابداری ذهنی تعصب نشان می‌دهند. الکساندر و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی مدل‌سازی انتخاب سید بهینه سهام با رویکرد حسابداری ذهنی بر مبنای ارزیابی ریسک پرداختند. نتایج نشان داد، قیمت‌های دارایی تعادلی و ترکیب پرتفوی بهینه در حساب‌ها به حسابداری ذهنی بستگی دارد. لذا سید بهینه سهام با رویکرد حسابداری ذهنی بر مبنای ارزیابی ریسک از کارایی لازم برخوردار می‌باشد. گوردون^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به مدل‌سازی شکل سید سهام مبتنی بر حسابداری ذهنی پرداختند. آنها با در نظر گرفتن دو مولفه ریسک و حسابداری ذهنی، که از طریق میزان استفاده از فروش استقراری محاسبه می‌شود،

نشان دادند تفاوت معنی داری بین عملکرد سبد سهام در دو حالت مذکور وجود دارد. عامل سوم مبین این مطلب است که بسیاری از اطلاعات حسابداری این قابلیت را دارند که فرآیند حسابداری ذهنی را هم برای تهیه کنندگان و هم برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی تسهیل کنند. برای نمونه، این فرایند در مورد تهیه کنندگان صورت‌های مالی، از طریق تفکیک اجزای سود پیش‌بینی شده در یادداشت‌های توضیحی و در مورد سرمایه‌گذاران، از طریق ارزیابی اوراق بهادار قابل تبدیل انجام می‌گیرد در تحقیقات بربریس و هیوآنگ (۲۰۰۱) نسبت قیمت سهام به سود تقسیمی با حسابداری ذهنی رابطه داشته است به طوری که یک جریان نقدینگی بالا به قیمت سهام را بالا می‌برد اما این سود قبلی نیز قیمت سهام را همچنان بالا می‌برد سهام با نسبت قیمت به سود تقسیمی بالا غالباً یکی از نتایج خوب سرمایه‌گذاری است و سودهای قبلی سرمایه‌گذار را اثبات کرده پس آن را با ریسک کمتر می‌بیند و به میانگین کمتری نیاز دارد این در حالی است که نسبت قیمت به سود تقسیمی پایین اغلب ناشی از نتایج بد سرمایه‌گذاری است و آن را به عنوان ریسک بالاتر می‌بیند و به میانگین بالاتری نیاز دارد. از آنجا که سرمایه‌گذار نسبت به نوسانات سهام فردی ریسک‌گریز است از زیان‌های تکراری و تغییرات در میانگین بازده گریزان است. از طرفی طی تحقیقات حصارزاده و همکاران (۱۳۹۵) گزارشگری مالی با کیفیت بالا به میزان قابل توجهی اثر محدود کننده سود تقسیمی بر سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد همین طور که کیفیت بالای گزارشگری اثر سود تقسیمی را کاهش می‌دهد می‌توان بین کیفیت گزارشگری مالی و حسابداری ذهنی نیز رابطه‌ای متصور شد. ارتباط حسابداری ذهنی با کیفیت گزارشگری مالی براساس طبقه‌بندی مطرح می‌گردد، از آنجا که یکی از اهداف یکی از هدف‌های گزارشگری مالی، آگاه کردن اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران بالقوه برای کمک به تصمیم‌گیری منطقی و ارزیابی جریان وجوه نقد مورد انتظار شرکت است (بیدل و هیلاری^۱، ۲۰۰۹) به گفته تالر همسویی بین حسابداری ذهنی، گزارشگری مالی و افشای اختیاری کاملاً مشهود است. افراد و خانوارها به دلایل مشابه با انگیزه‌های سازمان و با هدف ردیابی پول خود (منابع مالی خود) و کنترل مصارف و مخارج، اقدام به ثبت، تلخیص، تحلیل و گزارش نتایج معاملات و سایر رویدادهای مالی می‌کنند. کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی که سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری ذهنی با ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی و افشای اختیاری انطباق دارد؛ برای

1. Biddle & Hilary

مثال، کدگذاری مرتب ارقام جریان‌های نقدی و نیز ارقام تعهدی به سود و یا زیان توسط تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی برحسب احتمال وقوع مجددشان، در برخی موارد، عملیات کدگذاری و طبقه‌بندی توسط سیستم حسابداری صورت می‌گیرد، اما در اغلب موارد قضاوت قابل ملاحظه‌ای در مورد چگونگی گزارش ارقام در صورت‌های مالی، یادداشت‌ها و نیز افشای اختیاری، لازم است، انجام گیرد. از طرفی، ممکن است استفاده‌کنندگان گزارشات مالی اصول حسابداری ذهنی را به هنگام ارزیابی گزارشات ارائه شده به آن‌ها، مدنظر قرار دهند و در مورد تأثیر نحوه ارائه اطلاعات مالی بر ارزیابی استفاده‌کنندگان مطالبی را عنوان کند. به علاوه، تصورات میانی بر حسابداری ذهنی با تعبیر محتوای گزارشات مالی ارائه‌شده از طریق تحلیل صورت‌های مالی، ممکن است ایجاد شود، لذا بین حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط وجود دارد. از طرفی تحقیقات کیان و همکاران (۱۳۹۶) ارتباط بین حسابداری ذهنی و سود ثابت شده است و یکی از راه‌های اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی کیفیت سود است پس ارتباط این دو متغیر دور از ذهن نمی‌باشد. برخی از محققین بر این عقیده‌اند که نقش عوامل رفتاری در بازارهای توسعه نیافته متفاوت و شاید با اهمیت تر از بازارهای توسعه یافته است. از این رو آزمون تجربی تئوری‌های مالی رفتاری در بازار سرمایه‌گذاری با اهمیت خواهد بود. افزون بر آن از منظر کاربردی شناسایی رابطه عوامل رفتاری با متغیرهای حسابداری و مالی در بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند بر سهامداران در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری درست، دقیق و به موقع مفید باشد؛ لذا پژوهش حاضر درصد می‌باشد تا رابطه حسابداری ذهنی را بر روی کیفیت گزارشگری مالی بعنوان یک عامل مؤثر بررسی نماید و به جهت اهمیت کیفیت گزارشگری مالی بررسی عوامل مؤثر بر آن از جمله حسابداری ذهنی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین رابطه کیفیت گزارشگری مالی را بر روی حسابداری ذهنی نیز مورد بررسی قرار داده شده است.

پیشینه پژوهش

در این بخش به بازنگری پژوهش‌های انجام‌شده، درباره نقش حسابداری ذهنی در گزارشگری مالی، پرداخته شده است که با موضوع پژوهش ارتباط دارند. اولسن و همکاران^۱ (۲۰۲۰) با استفاده از پرسشنامه‌ای که توسط ۳۵۰ مؤدی تکمیل شده بود به بررسی اینکه آیا

مالیات‌دهندگان از حسابداری ذهنی برای مدیریت مالیات بر درآمد و تعهدات مالیات بر ارزش افزوده استفاده می‌کنند یا اینکه حسابداری ذهنی مربوط به دانش مالیاتی، ویژگی‌های کسب و کار و شخصیت است و به چه میزان رابطه حسابداری ذهنی با رفتار مالیاتی در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیقات آنان نشان می‌دهد که برخی از مؤدیان حساب‌های ذهنی مالیات را از گزارش مالی جدا می‌کنند و برخی دیگر جدا نمی‌کنند. همچنین حسابداری ذهنی با هدف فرار مالیاتی ارتباط نداشت اما افراد با نمرات حسابداری ذهنی بالاتر، میزان مشخصی از برنامه‌ریزی مالیات را گزارش دادند. مهدی و آبس^۱ (۲۰۱۸) به تبیین رفتاری برای ریسک‌پذیری در بانک‌های اسلامی و غیراسلامی پرداختند در چارچوب نظریه چشم‌انداز به منظور تبیین رفتار ریسک در بانک‌های اسلامی و غیراسلامی در منطقه زیان‌گریزی و حسابداری ذهنی را در نظر گرفتند و معیارهای متعددی از عملکرد و ریسک به عنوان سطح هدف مورد استفاده قرار دادند. بانک‌هایی که در سطح هدف قرار دارند تمایل دارند رفتار زیان‌گریزی را نشان دهند و در حالی که بانک‌هایی که در پایین قرار دارند تمایل دارند ریسک‌گرا باشند. گرت^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان اعتماد و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط بین اعتماد درون‌سازی مالی را به سه جنبه گزارش مالی بررسی کردند، همگام با بهبود کیفیت گزارشگری مالی از طریق بهبود تولید اطلاعات و اشتباهات دریافتند که اعتماد به طور قابل توجهی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های نسبتاً غیرمتمرکز مرتبط است اما در شرکت‌هایی که نسبتاً متمرکز هستند نتایج برای چندین تجزیه و تحلیل مقاوم هستند که تلاش می‌کند تا به دنبال توضیح جایگزین بالقوه شوند. پارسایی و ملانظری (۱۳۹۸) به بررسی نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای پرداختند. این پژوهش نشان می‌دهد یک عامل روان‌شناختی ممکن است مدیران را از سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که طبق تکنیک‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای بایستی آن‌ها را پذیرفت، بازدارد؛ لذا می‌تواند اطلاعات تکمیلی ارزشمندی را نسبت به تحقیقات بودجه‌بندی سرمایه‌ای فراهم نماید. کیان و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رفتار مدیران در بکارگیری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ترجیح مدیران برای تفکیک نشان‌دهنده حسابداری ذهنی می‌باشد. پژوهش ما اشاراتی برای استاندارد‌گذاران، قانون‌گذاران، و محققان دارد. اسدی و همکاران (۱۳۹۷) به

1. Mahdi & Abbas
2. Garrett et al

بررسی تأثیر افزایش کیفیت گزارشگر مالی بر رابطه بین مدیریت و سرمایه در گردش و عملکرد مالی شرکت پرداختند آنان به این نتیجه رسیدند کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری بر رابطه بین سرمایه در گردش و عملکرد مالی دارد و می‌توان ادعا کرد که افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر به افزایش تأثیر مثبت مدیریت سرمایه در گردش بر عملکرد مالی شرکت‌ها می‌شود. کیان و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه‌گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی پرداختند. در نتیجه، این پژوهش درصدد است تا به تبیین نقش حسابداری ذهنی، در گزارشگری مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران بپردازد. نتایج پژوهش بیانگر اثر تعدیلی گزارش زیان بر ارتباط بین سود خالص و قیمت سهام است که انتظار می‌رود در راستای تأیید نظریه حسابداری ذهنی در صورت سود و زیان باشد.

با توجه به آنچه گفته شد و اینکه حسابداری ذهنی در ابتدا در حوزه اقتصاد و تبیین رفتار مصرف‌کنندگان بررسی شده است، اما شواهد اندکی در رابطه با نقش این نظریه در قلمرو حسابداری وجود دارد. علاوه بر این، با وجود شباهت بین حسابداری ذهنی و گزارشگری مالی، شواهد بسیار اندکی درباره نقش حسابداری ذهنی در گزارشگری مالی به‌ویژه از دیدگاه سرمایه‌گذاران وجود دارد. در چنین شرایطی طرح این پرسش حایز اهمیت است که آیا حسابداری ذهنی در افزایش درک گزارشگری مالی از سوی سرمایه‌گذاران در بازار نوظهور ایران کاربرد دارد.

فرضیه‌ها یا پرسش‌های پژوهش

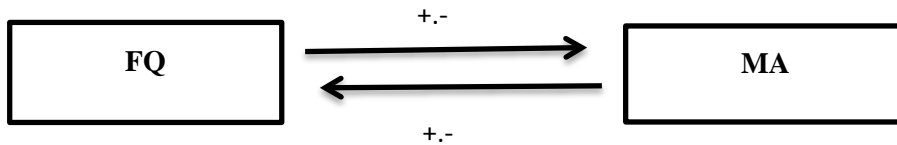
فرضیه: کیفیت گزارشگری مالی بو حسابداری ذهنی دارای اثرات متقابل و همزمان معنی داری بر روی یکدیگر هستند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش پژوهش، در زمره پژوهش توصیفی جای می‌گیرد. مطالعات توصیفی به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد. این پژوهش از نظر هدف پژوهش، در زمره تحقیق‌های کاربردی جای می‌گیرد. طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد. قلمرو مکانی پژوهش حاضر، شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است و قلمرو زمانی نیز برای یک دوره ی زمانی هشت ساله از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۰ است؛

داده‌های مورد نیاز جهت آزمون فرضیه پژوهش با مراجعه به سایت مدیریت و پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سیستم جامع اطلاع رسانی ناشران کدال و بانک‌های اطلاعاتی «تدبیر پرداز» و «ره آورد نوین» گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌هایی که برای انجام پژوهش مورد نیاز است؛ انتخاب ابزاری مناسب به منظور محاسبه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به متغیرها اهمیت خاصی دارد. به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها به اطلاعات مورد نیاز پژوهش و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها از روش‌های سنجی معادلات هم‌زمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای و دو مرحله‌ای، با بکارگیری نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز استفاده شده است. در این پژوهش، برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده گردیده و حجم نمونه برابر با تعداد شرکت‌های موجود در جامعه آماری خواهد بود که دارای شرایط زیر باشند:

- قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده و تا سال ۱۴۰۰ در بورس فعالیت داشته‌اند.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در طول سال‌های مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.
 - برخی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و مؤسسات بیمه که ساختار گزارشگری جداگانه‌ای دارند، از نمونه حذف می‌شوند.
 - اطلاعات مالی و مدیریتی مورد نیاز آن‌ها (به‌خصوص گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره و یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی) در دسترس باشد.
 - در طول سال‌های مورد بررسی معاملات سهام آن به استثنای دوره معمول برای برگزاری مجمع عمومی، متوقف نشده باشد.
 - شرکت‌های دارای افزایش سرمایه و اطلاعیه اقلام استثنایی نیز حذف گردیده است.
- در مورد سنجش و اندازه‌گیری هر صفت کیفی باید معیارهای کمی شناسایی و اندازه‌گیری شود به طوری که نمایانگر ویژگی کیفی مورد نظر باشد تا آن را از طریق فرآیند سنجش به طور قابل قبول انجام شود.
- به طور کلی، برای برآورد سیستم‌های معادله هم‌زمان به عنوان برآورد گره‌های مختلف، استفاده از هر دو روش از رویکردهای معمول خواهد بود (قاسمی و همکاران، ۲۰۱۸). مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. روابط متقابل بالقوه در بین متغیرها

بنابراین در این پژوهش از یک دستگاه معادلاتی برای بررسی مدل مفهومی استفاده خواهد شد.

$$\begin{cases} FQ_{It} = \beta_0 + \beta_1 MA_{It} + \beta_2 lev_{It} + \beta_3 size_{It} + \beta_4 G_{It} + \beta_5 HHI_{It} \\ \quad + \beta_6 IND_{It} + \beta_7 K_{It} + \varepsilon \\ MA_{It} = \beta_0 + \beta_1 FQ_{It} + \beta_2 lev_{It} + \beta_3 size_{It} + \beta_4 G_{It} + \beta_5 HHI_{It} \\ \quad + \beta_6 IND_{It} + \beta_7 K_{It} + \varepsilon \end{cases}$$

که در آن:

حسابداری ذهنی: برای آزمون فرضیه یک مدل تجربی توسعه داده می‌شود که مشابه با مدل بکار گرفته شده توسط G-M (جنوسو و مایر ۲۰۰۱) است، اما با لحاظ کردن نقطه مرجع تئوری چشم‌انداز با استفاده از داده‌های مشاهده شده در تابع ارزش، مدل این محققان توسط ثقفی و همکاران (۱۳۹۴) بهبود داده می‌شود. لذا برای آزمون حسابداری ذهنی که زیر مجموعه تئوری چشم‌انداز است، نیز با توجه به اینکه گرینبلات و هان (۲۰۰۵) معتقدند که ترکیب تئوری چشم‌انداز و حسابداری ذهنی (PT/MA) منجر به پدیده اثر تمایلی می‌شود؛ که پدیده‌ای است در بازارهای مالی بدین نحو که به نظر می‌آید سرمایه‌گذاران تمایلی به شناسایی زیان‌هایشان نداشته و به تشخیص سود علاقمند می‌باشند. به عبارتی، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند، سهام برنده را سریع فروخته ولی سهام زیان‌ده را به مدت طولانی حفظ نمایند که این پدیده توسط شفرین و استات من (۲۰۰۰) به عنوان اثر تمایلی نام گذاشته شد. برای حسابداری ذهنی نیز نقطه مرجع در نظر گرفته می‌شود هم‌ارز در نظر گرفته می‌شوند و از بهبود یافته همان مدل برای اندازه‌گیری حسابداری ذهنی استفاده می‌شود، مدلی تعیین می‌شود که در آن، لگاریتم قیمت پیشنهادی فروش (*Life*)، تابع خطی از لگاریتم قیمت روز قبل (که با نماد μ مشخص می‌شود)، و یک متغیر تعریف‌کننده نقطه مرجع (RF^*) تعریف می‌شود:

$$L_{ife} = \alpha_0 + mRF_{fe}^* + \varepsilon_{ie} \quad (۱)$$

μ_{ie} لگاریتم قیمت روز قبل است. نماینده این متغیر، قیمت پایانی سهم است. با استفاده از تابع لگاریتم، قیمت‌ها هم مقیاس شده و به توزیع نرمال تقریب پیدا می‌کند.
 RF^* = نقطه مرجع که به صورت تفاوت بین لگاریتم قیمت (پایانی) روز قبل و لگاریتم قیمت (پایانی) روز بعد است.

در مدل بالا، i نشان‌دهنده سهم است، f نشان‌دهنده روز قبل است، و e زمان ورود سفارش فروش به بازار است. همچنین، نماینده قیمت در هر روز، قیمت پایانی سهم در آن روز معاملاتی است. چنانچه هیچ اثر رفتاری وجود نداشته باشد، m برابر با صفر خواهد بود. در این مدل، متغیر نقطه مرجع (RF^*) به صورت تفاوت بین لگاریتم قیمت فروش (پایانی) و لگاریتم قیمت خرید (پایانی) مورد انتظار تعریف می‌شود:

$$RF_{ife}^* = (P_{if} - \mu_{ie})$$

P_{if} = لگاریتم قیمت خرید، نماینده این متغیر، قیمت پایانی سهم در روز خرید است. بنابراین، چنانچه زیان مورد انتظار وجود داشته باشد، RF_{ife}^* منفی خواهد بود. بنابراین، لگاریتم قیمت فروش (پایانی) را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

$$P_{if} = \mu_{if} + \omega_{if}$$

ω_{if} = مازاد یا کسر پرداختی خریدار به فروشنده است.

بنابراین، نقطه مرجع صحیح برابر است با:

$$RF_{ife}^* = (\mu_{if} + \omega_{if} - \mu_{ie})$$

تفسیر جمله اول تغییر در شاخص قیمت بازار بین زمان خرید اولیه و زمان فروش است. چنانچه $RF_{ife}^* < 0$ باشد، فروشنده با زیان مورد انتظار مواجه بوده و چنانچه $RF_{ife}^* \geq 0$ باشد، در این صورت فروشنده با سود مورد انتظار مواجه خواهد بود.
 با ترکیب معادلات (۱) و (۲)، خواهیم داشت:

$$L_{ife} = \alpha_0 + m(\mu_{if} + \omega_{if} - \mu_{ie}) + \varepsilon_{ie}$$

یا

$$L_{ife} = \alpha_0 + mRF_{ife}^* + \varepsilon_{ie} \quad (۳)$$

بنابراین، انتظار می‌رود که ضریب m برای منطقه زیان منفی باشد (به طور معناداری متفاوت از صفر باشد) و از نظر اندازه به طور معناداری بزرگ‌تر از ضریب m برای منطقه سود باشد. چنین نتیجه‌ای وجود زیان‌گریزی و برقراری تئوری چشم‌انداز را تأیید خواهد کرد و در نتیجه آن حسابداری ذهنی نیز تأیید می‌گردد.

کیفیت گزارشگری مالی: فرانکل و همکاران (۲۰۱۸) مدلی از اقلام تعهدی را براساس نقش این اقلام در برطرف کردن مشکلات زمان‌بندی و تطابق جریان‌ات نقدی توسعه داده‌اند.

$$\Delta WC_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_t + \alpha_2 rCYCLE_t + \alpha_3 \Delta REV_t * rCYCLE_t + \alpha_4 \Delta OCF_t + 5\alpha_5 \Delta OCFSC_t + \alpha_6 \Delta OCF_t * \Delta OCFSC_t + \varepsilon_t$$

که در آن:

ΔREV تغییرات درآمد از سال $t-1$ تا سال t ، تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره،
 $rCYCLE_t$ رتبه صدکی میانگین چرخه تبدیل نقد عملیاتی سه سال گذشته شرکت در هر سال،
 OCF_1 جریان‌ات نقدی ناشی از عملیات برای سال t ، تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره،
 ΔOCF_1 تغییرات جریان‌ات نقدی ناشی از عملیات از سال $t-1$ تا سال t ، تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره،

$\Delta OCFSC_1$ همبستگی سریالی جریان‌ات نقدی که مساوی است با میانگین رتبه صدکی میانگین چرخه تبدیل بعد عملیاتی سه سال گذشته شرکت و عکس رتبه صدکی میانگین حاشیه سود خالص سه سال گذشته شرکت در هر سال (به شکلی که هر چه $\Delta OCFSC_1$ بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده همبستگی سریال منفی قوی‌تر در تغییرات جریان‌ات نقدی است)،

$CYCLE_1$ میانگین حساب‌های دریافتی تقسیم بر درآمد خالص بعلاوه میانگین موجودی کالا تقسیم بر بهای تمام شده کالای فروش رفته به کسر از میانگین حساب‌های پرداختی تقسیم بر خرید و ΔWC_1 تغییرات در اقلام تعهدی سرمایه در گردش دوره t نسبت به دوره $t-1$ است که داده‌های موردنیاز برای محاسبه آن از صورت جریان وجه نقد استخراج و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\Delta WC_1 = AR_t + \Delta Inventory_t - \Delta AP_t - \Delta TP_t + \Delta Other Assets (net)_t$$

که در آن:

ΔAR_t تغییر در حساب‌های دریافتی دوره t نسبت به دوره $t-1$ ،

$\Delta Other Assets(net)_t$ تغییر در خالص سایر دارایی‌های جاری دوره t نسبت به دوره $t-1$ است.

همانطور که مشخص است فرانکل و همکاران در پژوهش خود به کارکرد ارقام تعهدی توجه داشته‌اند لیکن ساختار ارقام تعهدی را مد نظر قرار نداده‌اند. بنابراین رویکرد این پژوهش در بکارگیری ویژگی‌های جریان‌ات نقدی برای پیش‌بینی ارقام تعهدی بر رویکرد فرانکل و همکاران استوار است، لیکن تلاش می‌شود مدل پیشنهادی آن‌ها با تکیه بر ساختار ارقام تعهدی و بهبود اندازه‌گیری متغیرها بهبود یابد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در این پژوهش، اندازه شرکت که از طریق لگاریتم خالص فروش سالیانه شرکت اندازه‌گیری می‌شود، به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

اهرم مالی (LEV): در پژوهش حاضر، اهرم مالی نیز به عنوان متغیر کنترلی مدنظر قرار گرفته شده که از تقسیم مجموع ارزش دفتری بدهی بر ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود.

فرصت‌های رشد (G): در این پژوهش نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان معیار فرصت‌های رشد و یکی دیگر از متغیرهای کنترلی لحاظ شده است.

سودآوری (ROE): در پژوهش حاضر، بازده حقوق صاحبان سهام نیز به عنوان سنج سودآوری و یکی دیگر از متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده که از تقسیم سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

استقلال هیات مدیره (IND): از تقسیم تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره به تعداد کل اعضای هیات مدیره می‌باشد.

تمرکز مالکیت (HH): در این مطالعه، تمرکز مالکیت است که با استفاده از شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه‌گیری می‌شود. کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. در این پژوهش، تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه‌گیری شده است. هر اندازه که این شاخص بیشتر باشد، بیانگر تمرکز بیشتر و حضور تعداد اندکی سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت است و برعکس. شاخص هرفیندال - هیرشمن از طریق فرمول زیر اندازه‌گیری می‌شود.

$$HH = \sum_{i=1}^{Nj} (SHARE_{i,j})^2 \quad (5)$$

در این رابطه $SHARE_i$ درصد سهام تحت تملک سهامداران i در شرکت j است.

$$K = \frac{p}{d}$$

D : سود تقسیمی، P : قیمت پایانی سهام، K : حسابداری ذهنی

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در تجزیه و تحلیل توصیفی^۱، محقق با استفاده از جداول و شاخص‌های آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی^۲ و پراکندگی^۳ به توصیف داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش می‌پردازد. این امر به شفافیت و توضیح داده‌های محقق کمک بسیاری می‌کند. تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها در جدول ۱ و جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیر	نماد	مشاهدات	میانگین	میانه	بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار
کیفیت گزارشگری مالی	FQ	۱۰۴۳	۰/۱۸۴	۰/۰۶۸	۰/۷۴۸	۰/۰۰۲	۰/۱۰۶
اندازه شرکت	$Size$	۱۰۴۳	۱۲/۹۹۱	۱۳/۷۸۲	۱۹/۵۴۳	۵/۸۴۰	۱۰۷۰۳
اهرم مالی	Lev	۱۰۴۳	۰/۶۰۱	۰/۵۹۵	۰/۶۳۹	۰/۰۸۹	۰/۳۰۰
رشد شرکت	G	۱۰۴۳	۳/۰۰۸	۲/۰۷۳	۹/۱۴۷	-۱/۱۹۷	۱/۵۷۱
سودآوری	Roe	۱۰۴۳	۰/۰۸۹	۰/۱۰۵	۱/۲۷۳	-۲/۱۷۶	۰/۱۹۸
استقلال هیات مدیره	IND	۱۰۴۳	۰/۷۷۱	۰/۶۰۰	۱	۰	۰/۲۰۹
تمرکز مالکیت	HHI	۱۰۴۳	۰/۷۴۵	۰/۵۷۷	۱	۰	۰/۳۱۹
حسابداری ذهنی	MA	۱۰۴۳	۲/۹۹۸	۳/۶۵۶	۵/۱۸۷	۱/۷۱۵	۰/۵۶۴
سود تقسیمی	K	۱۰۴۳	۰/۰۸۱	۰/۰۲۷	۰/۵۷۹	۰	۰/۰۳۳

مطابق با نتایج جدول یک ۱۰۴۳ شرکت مورد بررسی قرار گرفت، که مقدار میانگین متغیر حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی برای شرکت‌های انتخاب شده به عنوان نمونه در

1. Dscriptive Analysis
2. Central Tendency
3. Measures of Variation

این پژوهش، به ترتیب برابر ۲,۹۹۸ و ۱,۱۸۴ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز دارد. از مهمترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است که نشان می‌دهد به طور متوسط داده‌ها از میانگین چقدر فاصله دارند به طور مثال انحراف معیار متغیر حسابداری ذهنی برابر ۰,۵۶۴ است که نشان دهنده میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
(0) بدون استقلال هیات مدیره	۷۹۶	۷۶/۳	(0) بدون تمرکز مالکیت	۷۹۰	۷۵/۷
(1) دارای استقلال هیات مدیره	۲۴۷	۲۳/۷	(1) دارای تمرکز مالکیت	۲۵۳	۲۴/۳
جمع	۱۰۴۳	۱۰۰	جمع	۱۰۴۳	۱۰۰

مطابق با نتایج جدول دو طی بررسی به ۱۰۴۳ شرکت انتخاب شده، ۷۶,۳ بدون استقلال هیات مدیره و ۲۳,۷ درصد دارای استقلال هیات مدیره بوده‌اند، همچنین ۷۵,۷ درصد شرکتهای نمونه بدون تمرکز مالکیت و ۲۴,۳ درصد دارای تمرکز مالکیت می‌باشند که بیشترین فراوانی به فاقد استقلال هیات مدیره و تمرکز مالکیت می‌باشد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از سیستم معادلات دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای

فرضیه پژوهش بیان می‌دارد که کیفیت گزارشگری مالی و حسابداری ذهنی دارای اثرات متقابل همزمان بر یکدیگر هستند.

در این بخش نتایج دستگاه دو معادله‌ای برای هر یک از معادله‌ها بصورت مجزا و بر اساس دو روش دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای گزارش می‌گردد. نتایج برای متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی و حسابداری ذهنی در دو بخش بخش مجزا ارائه می‌گردد.

فرضیه اصلی: کیفیت گزارشگری مالی و حسابداری ذهنی دارای تاثیر معنی داری بر روی بر یکدیگر در زمانی هستند که تاثیرات متقابل و همزمان آن‌ها بررسی می‌گردند.

جدول ۳. ضرایب برآورد شده برای کیفیت گزارشگری مالی

دو مرحله ای		سه مرحله ای		نماد	متغیر
ضریب	آماره	ضریب	آماره		
۰/۲۶۸*	۴/۹۰۸	۰/۰۴۰*	۲/۱۱۳	C	مقدار ثابت
۰/۱۵۸*	۱/۲۵۴	۰/۱۱۳*	۶/۸۰۸	ZEHNI	حسابداری ذهنی
۰/۰۲۳*	۰/۷۲۵	۰/۰۰۲*	-۰/۵۲۴	LEV	اهرم مالی
۰/۰۸۳*	۲/۵۴۰	۰/۰۰۸*	۲/۳۱۰	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۸۳	۳/۹۰۱	-۰/۰۰۴	-۲/۶۹۵	G	رشد شرکت
-۰/۰۱۶	-۱/۹۰۷	۰/۰۰۶*	۱/۹۵۳	HHI	تمرکز مالکیت
۰/۱۲۸*	۲/۷۸۱	۰/۱۰۵	۷/۰۱۶	IND	استقلال هیئت مدیره
-۰/۰۸۲	-۴/۴۳۰	۰/۰۰۱	۰/۷۷۴	K	سود تقسیمی
۰/۵۵۰		۰/۶۴۶		R MSE	
۰/۰۲۳		۰/۰۵۱		ضریب تعیین	
-		-		دوربین واتسون	
-		-		آماره F	
-		-		معنی داری آماره F	

نکته: توجه: **، * از نظر آماری در سطح ۰،۰۵ و ۰،۰۱ معنی دار است. رگرسیون OLS خطاهای استاندارد مدل-Newey West را اعمال می کند.

جدول ۳ یافته‌های دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای را برای معادله کیفیت گزارشگری مالی نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های دستگاه معادلات سه مرحله‌ای می‌توان مشاهده کرد که ضریب حسابداری ذهنی (۶/۸۰۸) در سطح ۰،۰۱ مثبت و معنی دار است. به این معنی که با توجه به تقویت کیفیت گزارشگری مالی حسابداری هنی نیز بهتر می‌شود. همچنین مشخص می‌شود که نتایج با استفاده از روش سیستم معادلات حداقل مربعات دو مرحله‌ای (SLS۲) حاکی از اثر مثبت و با اهمیت متغیر حسابداری ذهنی بر کیفیت گزارشگری مالی است. لذا می‌توان گفت کیفیت گزارشگری مالی و حسابداری ذهنی دارای تاثیر معنی دار متقابل همزمان بر یکدیگر هستند.

نتایج حاصل از تخمین معادلات سیستم مورد استفاده در پژوهش حاضر با استفاده از سیستم معادلات حداقل مربعات دو مرحله‌ای (SLS ۳) و دو مرحله‌ای (۲SLS) مربوط به معادله دوم در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب برآورد شده برای حسابداری ذهنی

دو مرحله ای		سه مرحله ای		نماد	متغیر
آماره	ضریب	آماره	ضریب		
۲/۲۳۱	*۰/۱۰۰	*۱/۰۵۰	۰/۰۰۴	C	مقدار ثابت
۱/۵۷۵	*۰/۴۶۹	*۲/۱۴۲	۰/۰۲۰	ZEHNI	حسابداری ذهنی
-۱/۲۶۱	-۰/۰۲۰	۰/۳۹۱	۳/۷۶	LEV	اهرم مالی
۲/۳۶۸	۰/۰۲۲	*۱/۵۵۱	۰/۱۸۵	SIZE	اندازه شرکت
-۰/۴۳۳	-۰/۰۰۸	*۰/۶۰۴	۰/۱۸۷	G	رشد شرکت
-۰/۲۱۹	-۰/۰۰۶	*۵/۳۴۹	۰/۰۳۵	HHI	تمرکز مالکیت
-۱/۲۲۰	*-۰/۰۰۲	*-۱/۱۴۲	-۰/۰۰۹	IND	استقلال هیئت مدیره
-۲/۳۱۹	-۰/۰۶۰	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰۷	K	سود تقسیمی
۰/۹۱۵		۰/۸۷۰		R MSE	
۰/۱۴۵		۰/۴۵۱		ضریب تعیین	
				دوربین واتسون	
				آماره F	
				معنی داری آماره F	

نکته: توجه: **، * از نظر آماری در سطح ۰،۰۵ و ۰،۰۱ معنی دار است. رگرسیون OLS خطاهای استاندارد مدل-Newey West را اعمال می‌کند.

جدول ۴ یافته‌های دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای را برای معادله محتوای اطلاعات مالی نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های دستگاه معادلات سه مرحله‌ای، می‌توان مشاهده کرد که حسابداری ذهنی و کیفیت گزارشگری مالی دارای اثر مثبت معنی دار بر یکدیگر هستند همچنین مشخص می‌شود که نتایج با استفاده از روش سیستم معادلات حداقل مربعات دو مرحله‌ای (SLS۲) حاکی از اثر مثبت و با اهمیت متغیرها است.

بحث و نتیجه‌گیری

ارائه نظریه حسابداری ذهنی و وجود چنین وصفی از رفتار انسان در قبال پول و ثروت، برخی فرض‌های اولیه اقتصاد سنتی را خدشه‌دار کرده است. ایجاد حساب‌های ذهنی در مدیریت سبد سرمایه‌گذاری نیز جای بحث دارد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران با هر جزء از سبد سرمایه‌گذاری خود، به طور مجزا برخورد می‌کنند. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری غیر کارا منجر شود. در حقیقت در نظریه عقلایی سبد، سرمایه‌گذاران باید به مطلوبیت نهایی

سرمایه گذاری خود توجه کنند، نه به اجزاء سبد سرمایه گذاری با این حال سرمایه گذاران تمایل دارند که سطح ثروت خود به حساب ایمن (برای تضمین ثروت سطح مشخص) و حساب ریسکی (برای انجام معاملات ریسکی) جدا کنند. حسابداری ذهنی دلالت بر این دارد که افراد تمایل دارند تصمیم گیری درباره مسایل مختلف مالی را در حساب های ذهنی جدا انجام دهند. بدون در نظر گرفتن این فرض منطقی که بهتر است تمامی این تصمیم گیری ها را در یک پرتفوی اتخاذ کنند، حسابداری ذهنی عملاً تعامل بین تصمیم گیری های مختلف را نادیده می گیرد. یکی دیگر از مفاهیم کاربردی در حسابداری ذهنی، مفهوم قالب بندی می باشد، این مفهوم به این معنی است که روش هر فرد به طور ذهنی، معامله ای را در ذهنش تثبیت می دهد که در نهایت مطلوبیت دریافتی و مطلوبیت مورد انتظار فرد را تعیین خواهد کرد. هنگامی که حسابداری ذهنی به عنوان متغیر وابسته لحاظ شده است، کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس با حسابداری ذهنی دارد. هنگامی که کیفیت گزارشگری مالی به عنوان متغیر وابسته لحاظ شده است، نیز حسابداری ذهنی رابطه معکوس با کیفیت گزارشگری مالی دارد. با توجه به این که سوگیری های شناختی - عاطفی در تصمیم گیری خود را نشان می دهند. و از سویی تصمیم گیری و انتخاب در سیستم اقتصادی؛ مهمترین رکن آن سیستم قلمداد می شود، بنابراین تصمیمات روزانه ای که سرمایه گذاران در بازار سهام، اتخاذ می کنند، در نهایت روند حرکتی کل بازار را شکل داده و می توان نتیجه گرفت، کارآیی یا ناکارآیی بازار سهام متأثر از چگونگی تصمیم گیری سرمایه گذاران است (تانی، فانگ و اکبال، ۲۰۱۷) گرچه حسابداری ذهنی عموماً به تشریح تصمیمات مصرف کننده و خانوار می پردازد، اما برخی معتقدند به چندین دلیل در حوزه گزارشگری مالی برون سازمانی و افشای اختیاری نیز کاربرد دارد که برخی از این دلایل در ادامه آمده است.

نخست اینکه، به گفته تیلور همسویی بین حسابداری ذهنی، گزارشگری مالی و افشای اختیاری کاملاً مشهود است. افراد و خانوارها اقدام به ثبت، تلخیص، تحلیل و گزارش نتایج معاملات و سایر رویدادهای مالی به دلایل مشابه با انگیزه های سازمان می کنند و هدف هر دو گروه ردیابی پول خود (منابع مالی خود) و کنترل مصارف و مخارج است. باید توجه داشت که سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری ذهنی (کدگذاری، طبقه بندی و ارزیابی) با ویژگی های مهم

گزارشگری مالی و افشای اختیاری مطابقت دارد؛ برای مثال، تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی مرتب ارقام جریان‌های نقدی و نیز ارقام تعهدی را سود و یا زیان کدگذاری می‌کنند. همچنین، آنها این ارقام را بر حسب احتمال وقوع مجددشان کدگذاری می‌کنند. در برخی موارد، عملیات کدگذاری و طبقه‌بندی با کمک سیستم حسابداری انجام می‌گیرد، اما در اغلب موارد لازم است در مورد چگونگی گزارش ارقام در صورت‌های مالی، یادداشت‌ها و نیز افشای اختیاری، قضاوت قابل ملاحظه‌ای انجام گیرد. از طرفی، ممکن است استفاده‌کنندگان گزارشات مالی به‌هنگام ارزیابی گزارشات ارائه‌شده به آنها، اصول حسابداری ذهنی را مدنظر قرار دهند. به این معنا که حسابداری ذهنی در مورد تأثیر نحوه ارائه اطلاعات مالی بر ارزیابی استفاده‌کنندگان مطالبی را عنوان می‌کند. به‌علاوه، با تغییر محتوای گزارشات مالی ارائه‌شده از طریق تحلیل صورت‌های مالی، ممکن است تصورات مبتنی بر حسابداری ذهنی ایجاد شود.

دوم اینکه، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد با وجود استانداردهای حسابداری، روش‌های مناسب تحلیل اعتبار و ارزیابی حقوق صاحبان سهام و پیش‌بینی، تمایل ذاتی برای درگیری در حسابداری ذهنی بسیار چشم‌گیر است. برای مثال، تیلور و سانستین (۲۰۰۸) استدلال کردند که حسابداری ذهنی ممکن است یکی از عوامل افزایش قیمت سهام در دهه ۱۹۹۰ باشد؛ آنها معتقد بودند که افراد بسیاری با این توجیه که تنها سودی که در سال‌های قبل کسب کرده‌اند، در معرض خطر قرار دارد، اقدام به پذیرش ریسک بیشتری کردند. همچنین، بنارتزی و تیلور (۱۹۹۷) پیشنهاد کردند حسابداری ذهنی معمای صرف حقوق صاحبان سهام را حل می‌کند. به‌نظر آنها حساسیت بالا نسبت به زیان زمانی که با تمایل فرد برای ارزیابی موقعیت وی (ایده‌ای در حسابداری ذهنی) ترکیب می‌شود؛ موجب می‌شود تا افراد صرف سرمایه‌بزرگتری را تقاضا کنند تا تغییرپذیری بیشتر سهام را در مقایسه با اوراق قرضه بپذیرند. به‌علاوه، کمرر (۲۰۰۱) مثال‌های مختلفی را در مورد حسابداری ذهنی در چارچوب‌هایی به غیر از چارچوب مصرف‌کنندگان ارائه کرد که در آنها رهنمودها و یا قواعدی در مورد نحوه رفتار، تعیین شده بود؛ بنابراین، با توجه به مسائل عنوان‌شده، دور از انتظار نیست که تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارشات مالی، مفاهیم حسابداری ذهنی را از زندگی شخصی خود به تهیه و ارزیابی صورت‌های مالی و افشای اختیاری انتقال دهند.

سوم اینکه، برای هر دو گروه تهیه‌کنندگان استفاده‌کنندگان گزارشات مالی، اطلاعات در دسترس، حسابداری ذهنی را تسهیل می‌کند. آشکار است که تهیه‌کنندگان گزارشات مالی به داده‌های زیربنایی بسیاری دسترسی دارند که مبنای گزارش‌ها و یادداشت‌ها هستند؛ برای مثال، آنها می‌توانند در مورد میزان تفکیک اطلاعات موجود در مورد مشتقات مالی در یادداشت‌های پیوست شرکت و یا مقدار اطلاعات قابل ارائه در مورد پیش‌بینی سود شرکت تصمیم‌گیری کنند. اگرچه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به تمامی اطلاعات زیربنایی شرکت دسترسی ندارند، اما اطلاعاتی که در معرض دید آنها قرار دارد، نیز قابل استفاده در حسابداری ذهنی است؛ برای مثال، سهامدار می‌تواند به‌هنگام ارزیابی اوراق قرضه قابل تبدیل، برآوردی در مورد حساب‌ها پس از تبدیل اوراق قرضه داشته باشد. آنچه در بازارهای سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد این است که بسیاری از افرادی که اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، مردم عادی هستند که تنها راه دسترسی آنها به اطلاعات مهم شرکتهای اطلاعیه‌هایی می‌باشد که از جانب شر آنها منتشر می‌شود یک نمونه از این نوع اطلاعیه‌ها را می‌توان اعلان سود برآوردی هر سهم دانست که در آن بود پیشنهادی هر هم از جانب شرکت پیش‌بینی شده و به اطلاع عموم رسانده می‌شود. حال اگر در بین سرمایه‌گذارانی که در بازارهای سرمایه مشغول فعالیت بوده، افرادی باشند که از نظر اطلاعاتی نسبت به سایرین در موقعیت بهتری قرار داشته باشند و به عنوان مثال از اعلان‌هایی که قرار است درباره سود صورت پذیرد مطلع باشند قادر خواهد بود تا بر عرضه و تقاضای بازار تاثیر گذاشته و به اصطلاح، منجر به بروز شکاف قیمتها گردند. دلیل اصلی آن نیز وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌باشد که بر طبق آن افراد مطلع از اعلان سود (و یا هر خبر با اهمیت دیگر) رادبت به سایرین در موقعیت تصمیم‌گیری مناسب تری قرار می‌دهد. فرضیه یادگیری مدیریتی نشان می‌دهد که مدیران می‌توانند محتوای اطلاعاتی قیمت سهام را از قیمت سهام شرکت خود یاد بگیرند که می‌تواند به بهبود کارایی تصمیمشان کمک کند از اینرو ارزش شرکت افزایش می‌یابد. اطلاعات خصوصی جمع‌آوری شده و منتقل شده به قیمت‌های سهام از طریق فعالیتهای تجاری متفاوت سرمایه‌گذاران در بارهای سهام انجام می‌شود این اطلاعات می‌تواند درباره فرصتهای سرمایه‌گذاری آتی، تقاضا برای محصولات و خدمات شرکت و سیاستهای تأمین مالی باشد. آن می‌تواند همچنین به شکل اطلاعات درباره روابط سرمایه‌گذاران

مختلف و رقابت با سایر شرکتها باشد. با وجود شباهت‌های عنوان‌شده بین حسابداری ذهنی، گزارشگری مالی و افشای اختیاری، اغلب نظریه‌هایی که برای مطالعه رفتار تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارشات مالی و نیز افشای اختیاری به کار رفته است؛ بر مبنای اصول اقتصادی قرار دارند. این نظریه‌ها درک ما را از اهمیت گزارشات مالی و افشای اختیاری بهبود بخشیده‌اند، اما چنین نظریه‌هایی به این دلیل دارای نقیصه هستند که قادر به تشریح کامل ارزیابی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایرین از گزارشات مالی و نیز موارد افشای اختیاری نیستند؛ بنابراین، با کاربرد نظریه حسابداری ذهنی پژوهشگران پژوهش‌هایی را طراحی می‌کنند که نتایج آنها به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و قانون‌گذاران برای درک بهتر نحوه واکنش استفاده‌کنندگان گزارشات مالی در برابر قوانین و استانداردهای تصویب‌شده و پیشنهادی بینش دهد. لازم به یادآوری است گرچه استانداردهای حسابداری بر پایه چارچوب نظری هستند، اما تدوین‌کنندگان استاندارد راغب هستند تا پیش از انتشار قوانین جدید حسابداری از چگونگی تفسیر آنها به‌وسیله سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان مطلع شوند. علاوه بر این، پژوهشگران می‌توانند با مدنظر قرار دادن نظریه حسابداری ذهنی در پژوهش‌های خود، مدیران را در درک بهینه واکنش سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و سایر افراد ذی‌نفع در برابر گزارشات مالی یاری کنند. بازنگری پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر این است که درباره نقش حسابداری ذهنی در گزارشگری مالی، شواهد و پژوهش‌های بسیار کمی در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی وجود دارد. بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده نیز به بررسی و بیان مبانی نظری حسابداری ذهنی پرداخته‌اند. با این حال، در این بخش پژوهش‌هایی مرور می‌شوند که با موضوع پژوهش ارتباط دارند. بر همین اساس به مدیران شرکت‌های سهامی پیشنهاد می‌شود در برآورد و انتشار پیش‌بینی‌ها، دقت در پیش‌بینی را در اولویت قرار داده و از انتشار پیش‌بینی‌های عجولانه با دقت کم پرهیز نمایند. به فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود در تحلیل پیش‌بینی‌های منتشر شده توسط مدیریت شرکت‌ها و استفاده از آنها در تصمیم‌گیری‌ها، محتاطانه عمل کرده و تا حد امکان، ویژگی‌های این پیش‌بینی را مدنظر قرار دهند. پیشنهاد می‌شود تا کمیته تدوین سازمان حسابرسی الزاماتی را برای تفکیک اقلام در متن صورت سود و زیان شرکت‌ها مطرح کند. همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود با توجه به رویکرد تجمیع اقلام در صورت سود و زیان، از اقلام

ترازنامه‌ای مانند ارزش دفتری هر سهم به عنوان معیار تصمیم‌گیری بهره‌گیرند. محدودیت‌ها و مشکلاتی که در اجرای پژوهش حاضر وجود داشت و باید حین تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم آنها مد نظر قرار گیرد به شرح زیر می‌باشد: با توجه به شرایط متغیرهای پژوهش امکان انجام پژوهش بر روی تمام شرکت‌ها مقدور نبود و این امر موجب کاهش تعداد نمونه مورد مطالعه شده است. همچنین محدودیت جدی این پژوهش آن است که پژوهش‌های بسیاری که در خارج از ایران انجام شده است تعداد بسیار زیادی از شرکت‌ها را آزمون می‌کنند. با توجه به محدودیت‌های اعمال شده بر جامعه آماری به دلیل همسان‌سازی شرکت‌ها، تعمیم نتایج بر کل واحدهای اقتصادی باید با احتیاط صورت پذیرد.



منابع

- اسدی، غلامحسین؛ نادری نور عینی، مهدی؛ سرفرازف منصور. (۱۳۹۷). نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و عملکرد مالی، *دانش حسابداری مالی*، ۱۵۰: (۲) ۱۳۱-۱۵۰.
- پارسایی، منا؛ ملانظری، مهناز. (۱۳۹۸). نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات بودجه بندی سرمایه ای، *حسابداری مدیریت*، ۱۲ (۴۱): ۱-۱۸.
- پمپین، میشل ام. (۱۳۸۸). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی. احمد بدری، تهران، انتشارات کیهان.
- ثقفی، علی؛ فرهادی، روح اله؛ تقوی فرد، محمدتقی و برزیده، فرخ. (۱۳۹۴). پیش بینی رفتار معاملاتی سرمایه گذاران: شواهدی از تئوری چشم انداز. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری*، ۴ (۱۵): ۳۲-۱۹.
- حصارزاده، رضا؛ سیگاری، عطیه، مقدس نوقانی، مجتبی. (۱۳۹۵). نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش اثر محدودکننده سیاست تقسیم سود بر سرمایه گذاری، *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۴ (۲): ۱۸۲-۱۶۱.
- سعیدی، علی و محمدجواد فرهانیان. (۱۳۹۴). *مبانی اقتصاد و مالی رفتاری*. انتشارات بورس.
- کیان، علیرضا؛ پورحیدری، امید؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی، *پژوهش های حسابداری مالی*، ۹ (۲): ۲۳-۱.
- نمازی، محمد؛ ابراهیمی، شهلا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر کارایی فنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری*. ۴ (۱۲): ۳۵-۵۷.

References

- Alexander, G. J., Baptista, A. M., & Yan, S. (2017). Portfolio selection with mental accounts and estimation risk. *Journal of Empirical Finance*, 41(3): 161-186.
- Assadi, G. H., Naderi Nooreyni, M., & Sarfaraz, M. (2018). The moderating role of financial reporting quality on the relationship between working capital management and financial performance. *Financial Accounting Knowledge*, 5(2), 131-150. (In Persian).
- Barberis, N., & Huang, M. (2001). Mental accounting, loss aversion, and individual stock returns. *The Journal of Finance*, 56(4), 1247-1292.
- Barth, M. E., Beaver, W. H., & Landsman, W. R. (2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), 77-104.
- Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of accounting and economics*, 48(2-3), 112-131.
- Fennema B. and koonce, I. (2010). Mental accounting in financial Reporting and voluntary Disclosure.

- Fennema, M. G., & Koonce, L. (2010). Mental accounting in financial reporting and voluntary disclosure.
- Garrett, J., Hoitash, R., & Prawitt, D. F. (2014). Trust and financial reporting quality. *Journal of Accounting Research*, 52(5), 1087-1125.
- Genesove, D., & Mayer, C. (2001). Loss aversion and seller behavior: Evidence from the housing market. *The quarterly journal of economics*, 116(4), 1233-1260.
- Gordun, A. J., Batista, A. M., & Yan, S. (2019). Portfolio selection with mental accounts and estimation risk. *Journal of Empirical Finance*, 3(41), 161-186.
- Grinblatt, M., & Han, B. (2005). Prospect theory, mental accounting, and momentum. *Journal of financial economics*, 78(2), 311-339.
- Kian, A., Pourheydari, O., & Kamyabi, Y. (2017). The impact of mental accounting on the investor's behavior: Financial reporting perspective. *Financial Accounting Research*, 9(2), 1-22. (In Persian)
- Mahdi, I. B. S., & Abbes, M. B. (2018). Behavioral explanation for risk taking in Islamic and conventional banks. *Research in International Business and Finance*, 45, 577-587.
- Olsen, J., Kasper, M., Kogler, C., Muehlbacher, S., & Kirchler, E. (2020). Mental accounting of income tax and value added tax among self-employed business owners. *Journal of Economic Psychology*.
- Pumpin, Michelle M. (1388). Behavioral financial knowledge and asset management. Ahmad Badri, Tehran, Kayhan Publications. (In Persian)
- Santi, F., Sahara, N. V., & Kamaludin, K. (2019). The effect of mental accounting on student's investment decisions: a study at investment gallery (GI) FEB University of Bengkulu and Syariah investment gallery (GIS) FEB Iain Bengkulu. *Journal Ilmiah Ekonomi Bisnis*, 24(2), 137-152.
- Shefrin, H., & Statman, M. (2000). Behavioral portfolio theory. *Journal of financial and quantitative analysis*, 35(2), 127-151.
- Tauni, M. Z., Fang, H. X., & Iqbal, A. (2017). The role of financial advice and word-of-mouth communication on the association between investor personality and stock trading behavior: Evidence from Chinese stock market. *Personality and Individual Differences*, 108, 55-65.
- Thaler, R. H. (2008). Mental accounting and consumer choice. *Marketing Science*, 27(1), 15-25.
- Thaler, R., and C. Sunstein. (2008). *Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth, and Happiness*. Yale University Press: New Haven, CT .
- Weber, M and Welfens, F. (2006), An individual Level Analysis of the disposition Effect: Empirical and Experimental Evidence. Working Paper, University of Mannheim.
- White, G., A. Sondhi, and D. Fried. 2002. *The Analysis and User of Financial Statements*. John Wiley & Sons.
- Wolk, h. (2004). *Accounting theory* Thomson.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.